

بررسی راه‌های جذب جوانان به مساجد

سید ابوالفضل جعفری نژاد

چکیده

تحقیقات امروز وجود ارتباط تنگاتنگ بین اعتقادات مذهبی و بهداشت روانی را در افراد گزارش می‌دهد. اگر جوانان بدانند که دین چگونه به نیازهای آنان پاسخ می‌دهد، با دل‌بستگی بیشتری به آن پایبند می‌گردند. جوان، در پی دست یافتن به بینشی پویا متحول و جدید نسبت به زندگی بوده و برای دستیابی بدان هر تلاشی را پذیرا می‌شود، لذا اگر در مسیر زندگی‌اش با رویکردی این چنین مواجه شود، به طور منطقی آن را می‌پذیرد و درونی می‌سازد. از آن جا که محیطی که بتواند جوان احساسات معنوی خود را در آن بروز دهد همانا مسجد می‌باشد، پیوند خانه، مسجد و مدرسه، تأمین نمازخانه در مدرسه به شرط استمرار و پیوند با مسجد تشویق خانواده در شرکت جوانان در مساجد البته توأم با همدلی و درک ذهن و ضمیر جوان انعطاف و صبوری استفاده از ائمه جماعت جوان، جلوگیری از طولانی شدن نماز، اهمیت به زیبایی و جوان‌پسند بودن و آراستگی مساجد از همان سر درب تا درون مسجد (صحن، محراب، فضای دیوارها و...) باشد و استفاده از جاذبه‌های هنری، تابلوها و نوشته‌های زیبا و جذاب در مساجد، پاکیزگی، طراوت و زیبایی مسجد و تنوع بخشیدن به فعالیت‌های مسجد چون امکانات هنری، ورزشی، نمایشی، کتابخانه با شیوه‌های نو نقش مهمی در جذب جوانان دارد.

مقدمه

پژوهش‌های روانشناختی، ارتباط تنگاتنگ بین اعتقادات مذهبی و بهداشت

روانی در افراد را ثابت نموده است.
از طرف دیگر سرگردانی، تزلزل روحی و انحطاط اخلاقی به عنوان ویژگی بارز جوامع انسانی، خصوصا جوامع صنعتی، درد و بیماری شناخته شده‌ای است که سالها ذهن اندیشمندان و مصلحان جوامع انسانی را به خود مشغول ساخته است. اما دردناکتر از آن مشاهده مسایل و مشکلاتی است که در جوامع معتقد به ادیان و مکاتب الهی در زمینه گرایش نسل نو به اماکن مقدس مذهبی مانند کلیساها، مساجد و... وجود دارد.

دو مؤلفه احساس همنوایی با جهان (در تسبیح پروردگار) و احساس عبودیت در پیشگاه خداوند، همچون داریست محکمی است که تعادل آدمی را در برابر دنیای پر تلاطم حفظ و برقرار می‌کند.

جوان، در پی دست یافتن به بینشی پویا، متحول و جدید نسبت به زندگی بوده و برای دستیابی بدان هر تلاشی را پذیرا می‌شود، لذا اگر در مسیر زندگی‌اش با رویکردی اینچنین مواجه شود به طور منطقی آن را می‌پذیرد و درونی می‌سازد.

آری اگر جوانان بدانند که دین چگونه به نیازهای آنان پاسخ می‌دهد، با دل‌بستگی بیشتری به آن پایبند می‌گردند؛ زیرا انسان علاقمند است نسبت خویش و جهان هستی را بداند و آن را تعریف و تبیین کند که به تبع آن الفت و انس با مجموعه هستی برایش حاصل می‌شود. احساس همدمی، همدلی و هم‌صحبتی با جهان بیرون از وجود آدمی، جوان را ارضا می‌کند. در غیر این صورت احساس غربت، گم‌گشتگی و تنهایی، درونش را می‌فشارد و او را می‌آزارد.

جوان در محیطی که قرار می‌گیرد بر حسب خواست فطری خود، الگوهایی می‌بیند و با توجه به شرایط و عامل یا جو غالب، الگویی را انتخاب می‌نماید و از آن تأثیر می‌پذیرد. به همین جهت، درك مکتب و آشنایی با تأثیرات آن بیش از سایر دوره‌ها در زندگی انسان، برای وی ضرورت دارد و او که به عنوان يك کار شخصی اعلام وجود می‌کند و یا به گفته بهتر به عنوان يك نیاز اساسی خود را وارد صحنه ایمان و عقیده می‌کند، نیازمند عرصه‌ای مهیا در این زمینه است. برترین و بهترین محیطی که بتواند جوان احساسات معنوی خود را در آن بروز دهد، همانا مسجد می‌باشد. مقاله‌ای که پیش

رو دارید می‌کوشد عوامل و راههای جذب جوانان به مساجد و اهمیت آن در تربیت دینی نسل جوان را مورد بررسی قرار دهد.

مسجد، حلقه ارتباط خانه و مدرسه

با توجه به این که خانه و مدرسه، دو مکانی هستند که دانش آموزان اکثر اوقات جوانی‌شان را در آن می‌گذرانند، ولی چون شرایط مدرسه و خانه برای دانش آموز هم از لحاظ سنی و هم مکانی دستخوش تغییر است، لذا باید حلقه‌ای بین این دو مکان باشد که بتواند برای عزیزان و آینده سازان مملکت اسلامی، روحیه‌ای قوی و با ثبات ایجاد کند، به گونه‌ای که آنان بتوانند در شرایط مختلف، استوار و بر هدایت باقی بمانند. در حقیقت مکانی که متضمن پیوند خانه و مدرسه است و در تمامی دوران و شرایط زایل کننده انحرافات و موجب هدایت و سعادت می‌شود، مسجد است. پیوند مبارك خانه، مسجد و مدرسه در واقع پیوند استوانه‌های منطقی تربیت صحیح است که باید در جوامع اسلامی بدان توجهی در خور مبذول شود. در آن صورت همه فضاها شکل سالم به خود می‌گیرند. امروزه همان اندازه که رابطه خانه با مسجد ضرورت دارد، پیوند مدرسه با مسجد نیز ضروری است. نه خانه بدون مسجد الگوی سالم آرایه می‌دهد و نه مدرسه بدون ارتباط با مسجد! مسجد محل سجده‌گاه و مرکز عبادت و نماز، سازنده و نگه‌دارنده روح سالم است؛ بدین رو ارتباط خانه و مدرسه با مسجد در واقع ارتباط با نماز، قرآن، انسانیت و تمام ارزش‌های انسانی است. با این ارتباط شعاع انوار دین و معنویت و اخلاص و فهم و شعور از مسجد به خانه و مدرسه منتقل می‌شود. بدون تردید تأسیس نمازخانه در مدرسه که در راستای این ارتباط به انجام می‌رسد، بخشی از فعالیت‌های لازم در انتقال ارزش‌های مقدس و انسان ساز مسجد است ولی کافی نیست، بلکه باید مدرسه، علاقه حقیقی و باطنی را در دانش آموزان با حضور مستمر در درون مساجد دنبال نماید. نمازخانه‌ها هیچگاه جای مسجد را نمی‌گیرند و اگر ملاک قرار گیرند و همه چیز به آنها ختم شود، تأثیر مطلوبی بر جای نمی‌گذارند و هیچ

گاه به هدف پیوند مسجد با مدرسه نخواهیم رسید.
البته نمازخانه‌های مدرسه‌ها گام بلند و ارزشمندی در جهت رسیدن به
مسجد
و مقدسات والای آن هستند، ولی تلاش مدیران کل و جزء دستگاه تعلیم و تربیت
باید
این باشد تا پیوند حقیقی - نه ظاهری - بین مسجد و مدرسه برقرار شود.
بنابراین اگر پیوند خانه و مدرسه و مسجد، در خانه با مدیریت والدین و در
مدرسه
با تدبیر و اندیشه مدیران و مربیان حاصل گردد، پیوند خانه و مدرسه نیز در بعد
تربیتی
محقق خواهد شد و وقتی خانه و مدرسه با حلقه مسجد به هم پیوست و
مستحکم شد،
هم خانه از فضای اسلام و ارزش‌های معنوی آکنده می‌گردد و هم مدرسه از نتیجه
الگو
یا بی‌سالم و سازنده و هدایت‌گر برخوردار خواهد شد و چون فضای معنوی حاکم
و اصول ارزش‌های موجود در مدرسه و خانه، یکسان و مشترك می‌گردد، در آن
صورت
با کاهش اصطکاک الگوها مواجه خواهیم بود!

نقش مسجد در هدایت نسل جوان

امروز افراد بسیاری در سخنرانی‌های خود از فاصله و گسست بین نسل
جدید
و قدیم سخن می‌گویند! این نگرانی‌ها بی‌جا نیست، اما بیان نگرانی و اضطراب
صرف
و احیاناً ایجاد یأس و ناامیدی کافی نیست؛ بلکه بیان این سخنان، باید
حساسیت‌ها را
بیشتر از گذشته کند و اهتمام و جدیت در برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی‌ها را افزایش
دهد
و عزم راسخ و جدی به ویژه در مسئولان هدایت و راهبری نسل جوان ایجاد کند.
اکنون این پرسش مهم مطرح می‌شود که چه افرادی باید برنامه‌ریزی
و چاره‌اندیشی کنند؟ وقتی از دین‌گریزی نسل جوان سخن گفته می‌شود، آیا
کسی جز
معلمان، مربیان، مسئولان و علمای دینی که کار هدایتگری نسل جوان را بر عهده
دارند،
باید برنامه‌ریزی نمایند؟
بایستی فضاهای مساعد برای پرورش حس دینی جوانان را مورد تحلیل
قرار داد
تا از این مسیر، موقعیتی فراهم آید که متریبان، تحت بالاترین تأثیرات محیط،
برای پرورش دین‌باوری و تقید به احکام قرار گیرند و زمینه مطلوب برای هدایت آنان
فراهم آید. از مهم‌ترین این فضاها مسجد است.

۱ . پرورش حس دینی

مسجد از آن جهت که مکان پرورش فطرت و روح مذهبی جوانان است، به‌عنوان محیطی مناسب برای پرورش حس دینی جوانان، حائز اهمیت است. اهمیت ویژه

این مکان از آن جهت است که در موقعیت تفکر عینی جوان، به تقویت احساس و تمایلات و گرایش‌های مذهبی آنها توجه می‌شود و گرایش‌های مذهبی مناسبی را در آنان متجلی می‌سازد.

برابر سنت و توصیه‌های الهی و پیشوایان دینی ما، تعلیم دین و مذهب در

همه

مراحل سنی صورت خواهد گرفت و در هیچ زمانی، تعطیل و متوقف نخواهد شد، لذا باید به بهترین وجه ممکن، علاقه آدمی را به دین، الگو و شخصیت‌های دینی ترغیب

نمود. اینجاست که نقش مسجد، برجسته می‌شود؛ زیرا در چنین محفلی است که

صحنه‌های حقیقی دین آشکار شده، وابستگی و گرایش انسانها به مرزهای عقیدتی

تذکر داده می‌شود. حلقه بندگی دوست، آگاهانه به دست می‌آید و در این مسیر پر از رنج

و دشوار حرمان، مقاومت، ایثار و پایداری شناخته می‌شود و نمودهای عالی انسانی که

در ورای شخصیت مذهبی الگوها وجود دارد در اندیشه و باور آدمیان تجلی می‌یابد. پس مسجد از آن جهت فضای مساعد برای پرورش حس دینی است که:
۱ . روح تواضع را جلا می‌دهد، کبر و غرور را می‌زداید و برابری و برادری را

در

عین توانمندی و تمکن برجسته می‌سازد.

۲ . انس و علاقه مسلمین نسبت به یکدیگر را برانگیخته و زمینه بازدید

روزانه

مؤمنین را از یکدیگر فراهم می‌کند.

۳ . جدیدترین اطلاعات علمی، مذهبی و سیاسی و اجتماعی با محوریت

اتحاد

حاضرین در مساجد به ظهور می‌رسد.

۴ . انسان کفور و فراموشکار را به لزوم عبودیت و بندگی تذکر داده و او را

تحت

ضابطه‌ای قرار می‌دهد که تحت رهبری فردی آگاه و توانمند در مسیر کمال حرکت نماید.

۵ . اسوه‌های دین، دیانت و دین‌باوری در چنین محیط‌هایی، نمایان و

برجسته

خواهند شد و الگوی رفتاری مناسبی برای مؤمنین فراهم خواهد آمد.
۶ . در آن موقعیت معنوی، توانمندی‌ها، علم، اخلاص و قدرت عمل انسان‌ها مشخص شده و جایگاه رفیع چنین خصایصی مورد توجه قرار خواهد گرفت.
۷ . محل تمرین عمل مؤمنین است تا بتوانند در آزمایشگاه دین، عمل خود را بر پایه اخلاص بسنجند و مرزهای ایثار و فداکاری خود را مشخص نمایند.

۲ . تربیت و سازندگی اخلاقی

مساجد، سنگرهای درمان و گلستان روح‌افزای عاشقان الله هستند که اطمینان و آرامش قلب را برای انسان به ارمغان می‌آورند، زیرا عابد در حلقه حضور دوست، اتکا به پشتوانه‌ای قوی و توانمند را باور می‌کند و از طرفی انعکاس واقعیت‌های هستی، می‌تواند انسان را به رهرویی در مسیر خوبی، دوستی، نجات از پستی و علاج نادرستی ترغیب نماید و درمان را از این مسیر امکان‌پذیر نماید.
مساجد علاوه بر آن که پرورش دهنده حس دینی انسانها هستند، از قداست لازم و کافی نیز برخوردارند، زیرا در چنین مکان‌هایی موقعیت‌های هدایتی زیر به وجود می‌آید:

۱ . حضور قلب و تمرکز فکر و توجه عمیق انسان به خدا و فراموش نمودن آنچه غیر خداست.

۲ . دریافت لطایف الهی و افزایش قدرت انسان برای حرکت تکاملی.
۳ . عبرت و آگاهی، تنبیه و بیداری، با شناخت دقیق ائمه از جهت هدف

قیام و شهادت، چنین شناختی الهام‌بخش معنویت و حرکت در مسیر تکامل روحی انسان خواهد بود.
۴ . اعتقاد به مسأله معاد و عالم پس از مرگ در مسجد تقویت خواهد شد و توجه به حیات واقعی و جاوید زمینه‌ساز فهم و ایجاد آمادگی برای این سفر عظیم خواهد شد.
۵ . کاسته شدن از حلاوت و شیرینی کالاهای دنیوی در این مکانها میسر خواهد شد.
۶ . فرهنگ ارزشمند دینی در مسجد، گسترش یافته و تربیت جوانان عزیز را

به دنبال خواهد داشت.

۷. امیدواری به کرم و لطف خداوند، به واسطه شفاعت شهدا، با اعتقاد به نظارت ویژه خداوند نسبت به اعمال انسان عجین خواهد شد و چنین زمینه‌ای، سبب کنترل رفتارهای آدمی می‌گردد.

شایان ذکر است اگر چه وضعیت دینداری از جمله مفاهیم نگران کننده جهانی بوده ولی در چند دهه اخیر دستخوش تغییر و تحول جدی گردیده است، به نحوی که هم اکنون گرایش به مسایل دینی محسوس می‌باشد و بسیاری، این تحولات را به پیروزی انقلاب اسلامی منتسب می‌کنند.

خوشبختانه تمام تلاش‌ها و برنامه‌های آموزشی متولیان و سرپرستان نظام تربیتی، برای این است که نسل جوان امروز کشور را به سوی امور مذهبی هدایت نمایند تا به بروز و ظهور رفتاری منطبق با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در اجتماع منجر گردد و در نهایت وصول به کمال مطلوب و سعادت و رستگاری را برای افراد محقق سازد.

اگر در برنامه‌های پرورشی و تربیتی خواهان اصلاح رفتار و مشاهده عمل صالح و منطبق با ارزش‌های پذیرفته شده جامعه دینی از جوانان هستیم، باید از يك سو به اصلاح منشأ رفتار آنان و از سوی دیگر به عوامل تأثیرگذار و سازنده هویت و افکار و اندیشه قشر جوان پردازیم.

باید همواره به یاد داشته باشیم که جوانان آن گونه عمل می‌کنند که از طریق مختلف آموخته‌اند.

آن چه امروز به صورت‌های گوناگون، از بی‌اعتنایی به سنت‌ها، آداب و ارزش‌های خودی، بی‌هویتی، گرایش به ابتذال، الگوپذیری از الگوهای بیگانه و... مشاهده می‌کنیم، در واقع عملی است که بر اساس يك سلسله افکار و اندیشه‌های پوچ بیگانه و مادی غرب و با استفاده از شرایط سنی و روحی نسل جوان عینیت یافته و اصلاح این نمودهای عینی و ذهنی، تنها با هدایت آنان به مساجد که در آن فطرت‌های حق گرا و کمال‌طلب به يك باور درونی می‌رسند، امکان پذیر است و هر گونه تلاش برای از بین بردن ناهنجاری‌ها و سنت شکنی‌ها بدون توجه به نقش اساسی مساجد، تنها يك اصلاح ظاهری و غفلت از پاك نمودن سرچشمه جوشان آدمی است.

با دقت در منشأ و خواستگاه رفتار انسانی و به ویژه غریزه و فطرت به خوبی می‌توان دریافت که دریچه و روزنه‌های رخنه و نفوذ استکبار و شبیخون فرهنگی در شخصیت و درون نسل جوان بیش از هر چیز غریزه جنسی و بعد نفسانی و شهوانی از يك سو و خاموش نمودن فطرت خداجوی آنان با گناه و هرزگی از سوی دیگر می‌باشد.

استعمار و استکبار با توسل به شیوه‌های گوناگون براندازی انقلابها نظیر: جنگ، فشارهای اقتصادی، اختلافات قومی، نژادی و منطقه‌ای و حرکت‌های خزنده دیگر، آزمون ناموفق و بی‌ثمری را در طول حیات پربار انقلاب اسلامی پشت سر گذاشت و سرانجام با رویکردی نوین، تجربه‌های موفق و مؤثر در استعمار الجزایر و سقوط اندلس را در مورد ایران اسلامی و نسل سوم انقلاب، به عنوان پشتوانه‌های نیرومند انقلاب، در قالب تهاجم فرهنگی در رأس برنامه‌ها و سیاست‌های شوم خویش قرار داد.

آن چه بیش از هر چیز دیگر در جنگ و هجوم فرهنگی دشمن خودنمایی می‌کند، سوق دادن جوانان به سوی ابتدال، هرزگی و بی‌هویتی است؛ تحریک گرایز حیوانی و شهوانی، آن هم در حساس‌ترین دوران جوانی (دوره بلوغ و رشد) و خشکانیدن ریشه‌های کمال جویی و خداپرستی (فطرت)، تنها نقطه امیدی است که دشمنان برای انحراف و در نهایت سقوط انقلاب ارزشی اسلام بدان چشم امید دوخته‌اند.

برای مقابله با جنگ فرهنگی غرب و نجات نسل سوم انقلاب از آفات و اثرات ویرانگر تمدن غرب، راهکارها و نظرات گوناگونی از سوی نویسندگان، روشنفکران و دلسوزان انقلاب همچون پر کردن اوقات فراغت جوانان، آشنایی نسل جوان با فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و بازگشت به خویشتن خویش، برنامه‌ریزی و ایجاد تنوع و جذابیت در برنامه‌های فرهنگی و هنری، استفاده از ابزارهای هنری، تربیت سیاسی نسل جوان و... ارایه و پیشنهاد شده است.

اگرچه به طور قطع، نمی‌توان تأثیرگذاری راهکارهای پیشنهاد شده را به کلی انکار کرد و آنها را نادیده گرفت، ولی با دقت و امعان نظر در تجربه‌های حاصله از امور یاد شده و مقایسه آن با وضعیت کنونی نسل جوان و گرایش روزافزون دختران و پسران به فرهنگ مبتذل غرب و بی‌اعتنایی به فرهنگ خودی، علی‌رغم تلاشهای برنامه‌ریزان

و مبلغان امور دینی، در می‌یابیم که اینها تنها مُسکّنی بوده‌اند که به دردها، آرامش موقت و زودگذر بخشیده و هرگز ریشه دردها را نخشکانیده‌اند. ساختن انسان‌هایی خدا ترس، متقی و تسلیم در برابر رضای حق و معبود واقعی (خدا) در سایه تربیت دینی و مذهبی که هم مقتضای فطرت است و هم کنترل کننده غریزه و هوای نفسانی، از مؤثرترین روش‌هایی است که تنها در مسجد می‌تواند در مقابل سیل بنیان‌کن و ویرانگر فرهنگ فاسد غرب بایستد و مقابله کند؛ زیرا مقابله با تحریک غرایز و هوای نفسانی که از طرق مختلف همانند فیلم‌ها، نوارهای مبتذل، تصاویر مستهجن، بدحجابی و... به آن دامن زده می‌شود و نجات نسل جوان از خطر سقوط در منجلاب گناه و آلودگی‌های ناشی از تحریک غریزه جنسی، تنها با حاکم کردن نیروی بازدارنده و کنترل کننده‌ای چون مسجد امکان‌پذیر است. آری تنها این مسجد است که می‌تواند عفت و پاکدامنی را برای جامعه به ارمغان بیاورد در صورتی که از آن به خوبی بهره‌برداری شود.

۳ . تحکیم پیوندهای اجتماعی

مسجد، محل انس و مؤانست مسلمانان، جایگاه بازدید روزانه آنان، موقعیت مناسبی برای اطلاع‌گیری و اطلاع‌رسانی به عموم و زمینه‌ای برای پند و اندرز، وعظ و خطابه و نهایتاً محل دلسپاری به خداوند و دل‌کندن از اغیار است. مسجد، محلی است که روح را متواضع می‌سازد، کبر و غرور را فرو می‌ریزد و همه را از هر طبقه و مکانی در صفوفی مساوی و متحد تحت رهبری امامی قرار می‌دهد که ردای دین و دیانت به تن نموده و اسوه تعبد، تقوا و بندگی به شمار می‌آید. چه مکان با صفا و ارزشمندی که به اکثر نیازهای آدمی توجه می‌شود و موقعیتی را به وجود می‌آورد که روح و حس مذهبی مؤمنین و متدینین را سر لوحه اجتماع و پیوند با دیگران قرار می‌دهد و در يك کلام، مسجد، اجتماعی است با هدف مقدس؛ برای سالم بودن، بهتر شدن و بندگی حق نمودن؛ مسیری است برای رهپویی در راه خیر؛ مکانی است برای احترام‌گذاری به کسانی که از نظر علمی و عملی بزرگتر انسان‌ها به شمار می‌روند.

از مهم‌ترین آثار اجتماعی حضور در مسجد توجه به موقعیت‌های زندگی یکدیگر در محیطی مأنوس و سالم است. بدینسان به محض عدم حضور، علت غیبت و مشکلات احتمالی هر فرد فوراً مشخص شده، دل‌های مشتاقی برای حل مشکل برادر و همکیش خود بسیج خواهند شد تا در آن موقعیت و مشکل، فرد تنها و بدون پشتوانه نماند.

براین اساس جایگاه مسجد به حدی ارزشمند است که توصیه اکید پیشوایان دین به حضور حتمی مؤمنین در مساجد و تکایا می‌باشد.^۱ و عدم حضور مؤمنین در مساجد را باعث انزوا و شکایت این مکان مقدس از آنان معرفی نموده‌اند.^۲

ضرورت احیای مساجد و جذب جوانان

عدم آشنایی به وظایف خود در عرصه‌های فردی و اجتماعی که معمولاً در سنین جوانی به دلیل شرایط سنی خاص این دوران بیشتر از سایر دوره‌هاست و برهم زدن نظم اجتماعی و قانون شکنی به شیوه‌های مختلف توسط جوانان، از اموری است که همواره دلمشغولی و نگرانی متولیان نظام سیاسی و تعلیم و تربیت را فراهم می‌نماید. بدون تردید مهم‌ترین و بهترین چاره و درمان آن، اهمیت دادن به مساجد است؛ تبلیغ و زمینه‌سازی برای جذب افراد جامعه، به خصوص قشر جوان به مساجد و تداوم بخشیدن به حضور و تقویت جنبه‌های فطری و معنوی آنان، در دوران مسجد گرچه همواره مهم و ضروری بوده، ولی در دوران معاصر و برای نسل حاضر، ضروری‌تر و از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا:

۱ . جرایم در جهان طبق آمار رسمی تنها در کشور امریکا در پنجاه سال اخیر، ۱۷۶۰ برابر شده است و در کشورهای دیگر نیز وضع از آن بهتر نیست، همچنان در حال توسعه و گسترش است.

۲ . اعتیاد به صور مختلف همچون استعمال هرئوین، مورفین، حشیش و... که

1 . وسایل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلوة، باب استحباب الاختلاف الی المسجد و... ، حدیث ۱ .

2 . وسایل الشیعه، کتاب الصلوة، باب استحباب الصلاة فی المسجد الذی لایصلی فیه اهله، حدیث ۱ .

برخلاف این همه مراقبت‌ها و کنترل در کشورها و حتی در مملکت ما، خطری همچنان

رو به گسترش است.

۳. تبلیغات وسیع دشمن در عرصه جهانی برای فاسد کردن نسل جوان در

تلاش

دشمن برای بی‌ریشه کردن جوانان از طریق سرکوبی اسلام و به ویژه تشیع به صورت روز

افزون با استفاده از ابزار هنری همچنان رو به تصاعد است.

۴. سوء استفاده از مذهب‌پذیری مردم و القائات وارونه از طریق مکتب‌ها

و فلسفه‌های خطر آفرین ساختگی گسترش یافته است.

۵. وجود دو راهی‌ها و شك و تردید در زمینه مذهب که از خصایص دوران

جوانی است، زمینه مناسبی را برای انحراف پدید می‌آورد.

۶. وجود زمینه برای دستیابی به بی‌قیدی‌ها و احساس رهایی در جوان

که می‌تواند

وسیله‌ای برای سوء استفاده دشمنان باشد.

۷. تعدیل خودپرستی‌ها، خودمداری‌ها و خودمحوری‌ها که در سنین پایان

کودکی و نوجوانی بروز نموده‌اند، ایجاد قید و بند و کنترل برای اعمال هوای نفس، شرور و مطامع در همه مراحل حیات به ویژه در دوران جوانی که از اشتغال

بیشتری

برخوردار است، یک نیاز و ضرورت اساسی است.

۸. سادگی، زود باوری و بی‌تجربگی نسل جوان در مواردی موجب افتادن

در

گرداب شرارت را فراهم می‌سازد.

۹. توجه اساسی به این نکته که شعله‌غرایز، چونان آتش است اگر در

جای خود

قرار گیرد، گرم می‌کند ولی اگر در محل نامناسب قرار گیرد، آتش بر پا می‌کند و

خرمن

هستی فردی و اجتماعی را در کام خود می‌سوزاند.

۱۰. نسل جوان به پناهگاهی امن و مطمئن که در تنگناها و تصادمات

روانی،

عاطفی و حتی اجتماعی بدان تمسک جوید و در آن قرار گیرد، نیازمند است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که هنوز خانواده نقش بسیار مهمی در

تشویق جوانان به مساجد دارد و می‌تواند نقش بسیار مؤثری قبل از هر چیز

نسبت

به فرزندان به خصوص در تبلیغ ارزش‌های اسلامی داشته باشد. با فرزندان باید

طوری در

خانواده برخورد شود که قوانین و هنجارهای خانوادگی و دینی را از آن خود بدانند و

در

رفتن به مسجد، تلاش فراوان داشته باشید.
باید والدین بکوشند تا به جای تحکم و مجبور ساختن جوانان به پذیرش ارزش‌های دینی و جامعه اسلامی، آنها را با مسجد آشنا سازند. البته خانواده با وقوف بر این نقش حساس خود و با اطلاع از برنامه‌های مساجد، باید به صورتی عمل کند که بین فعالیتهای اجتماعی و تربیت دینی و معنایی جوان، هماهنگی دقیق برقرار شود.

جمع‌بندی و پیشنهاد

ما معمولاً در هدایت کردن، نصیحت کردن و گشودن باب موعظه‌های کش‌دار و طولانی قهرمانیم، اما در همدلی نه؛ و به همین دلیل خیلی زود پل‌های ارتباطی را تخریب و توان تأثیرگذاری را به حداقل می‌رسانیم. وقتی جوان احساس کند در موضع موعظه نشسته‌ایم و تنها از او «گوش» انتظار داریم، چیزی به نام «پذیرش و تسلیم» اتفاق نمی‌افتد.
برای توفیق در ارتباط باید به «همدلی» رسید و همدلی نیازمند چند مسأله است:

۱. درك ذهن و ضمير جوان همراه با انعطاف و صبوری

درك موقعیت روحی و روانی جوان و شرایطی که جوان در آن به سر می‌برد، به همراه انعطاف یا به بیان قرآنی «تنزل» از دنیای خویش به دنیای جوان و صبوری در مقابل رفتار و گفتار او، شرایطی فراهم خواهد ساخت که جوان قلبش را به ما بسپارد و در پی آن ذهن و اندیشه وی نیز کاملاً تسلیم ما می‌شود.
همه این نکات را در این تذکار قرآنی می‌توان خلاصه کرد که خداوند به پیامبرش

فرمود: «اگر تند و خشن بودی همه از دور و برت پراکنده می‌شدند».^۳
جوان از جوان بهتر و زودتر می‌پذیرد. با لحن جوان، هیئت جوان، پرخورد جوان و مهم‌تر از هر چیز به دلیل نزدیک بودن جهان احساسی، عاطفی، و رویه دو جوان، تفهیم و تفاهم سریع‌تر اتفاق می‌افتد. ائمه جماعت بسیاری از مساجد پیرند و با دنیای

³ . سوره آل‌عمران، آیه ۱۵۹ .

جوان بیگانه. هر چند در این میان، پیران خوش‌اندیش و خوشرو و توانایی می‌توان یافت، اما اگر به نوعی جوان‌گرایی دست بزنیم، کارا و گره گشا خواهد بود؛ مثلاً تفاوت نسل‌ها، کندی رفتار و طولانی کردن نماز، طرح مسایلی بیگانه با فضای امروز، میان مخاطب و گوینده فاصله می‌افکند. برخی جوانان، طولانی شدن نماز و عدم امکان ارتباط با ائمه جماعات سالمند را دلیل اجتناب از نماز جماعت دانسته‌اند. زیبایی ظاهری و آراستگی نیز در این میانه بی‌تأثیر نیست. همین جا طرح و تذکر این نکته لازم است که ائمه جماعات باید با مسایل تربیتی و روانی نسل جوان آشنا شوند.

۲. فرصت‌شناسی، استفاده از فرصت‌ها، بلکه فرصت‌سازی
بهره‌گیری از زمان‌هایی خاص برای ارتباط عاطفی میان مدرسه و مسجد از يك سو و ارتباط خانه و مسجد از سویی دیگر در جذب و جلب خانواده‌ها و به‌ویژه جوانان مؤثر است. از این گذشته مساجد جدید را باید به گونه‌ای ساخت که بتواند کانون همه فعالیت‌ها باشد. انحصار مسجد به نماز، خلاف سنت و سیره اسلامی است. مطالعه عصر پیامبر «صلی‌الله‌علیه‌وآله» نشان می‌دهد که مسجد مرکز همه چیز است؛ عبادت، فرهنگ، سیاست و پایگاه تصمیم‌گیری امور اجتماعی، نظامی و... باید هر مسجد يك مجتمع باشد؛ امکانات هنری، ورزشی، نمایشی، کتابخانه با شیوه‌های نو باید در کنار مسجد به‌عنوان جزئی از پیکره مسجد محسوب شود. پاکیزگی، طراوت و زیبایی مسجد نیز مسأله مهمی است؛ مساجد از همان سر در تا درون مسجد؛ صحن، محراب، فضای دیوارها و... باید آراسته، پیراسته و جوان‌پسند باشد. از جاذبه‌های هنری، تابلوها و نوشته‌های زیبا و جذاب نیز در مساجد استفاده شود. تذکر این نکته لازم است که جوانان حساس و زود شکن هستند. رؤیت فاصله میان گفتن و بودن در جامعه، زمینه رمیدن جوانان است. آنها کمتر می‌توانند به تحلیل

عمیق پردازند و مرز میان رهروان حقیقی و منتسبان به «راه» را در یابند. بر این اساس خیانت هیچ کس به اندازه آنان نیست که منتسب به دین و انقلابد ولی با کجروی و عملکرد بد، جوانان را بدبین می‌کنند. اسلام در پی آن گونه دینداری است که مدافع مکتب بسازد و به تعبیر آن روایت مشهور، انسان را «زینت» دین و رهبران آن کند، نه موجب «شین و سرافکنندگی» دین و رهبرانش.^۴

منابع و مأخذ

- جزوه درسی انسان‌شناسی در اسلام، دکتر سیدعلی‌اکبر حسینی، نشر بعثت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
- تعلیم و تربیت اسلامی، علی شریعتمداری، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۴.
- رویکردی نمادین به تربیت دینی، عبدالعظیم کریمی، نشر قدیانی، تهران، ۱۳۷۴.

4 . قال الصادق «عليه السلام»: «كونوا لنا زينا و لاتكونوا علينا شينا»؛ بحار، ج ۸۶، ص ۱۵۱.